

به عقیده ما، علیرغم تبلیغاتی که در سالهای اخیر در مورد اصل "مرکزیت دمکراتیک" صورت گرفته، این اصل، یکی از علمی ترین و ضروری ترین اصول پایه‌ای مدیریت علمی است. هر سازمان دارای هدف، خواه سیاسی و خواه فرهنگی و یا اقتصادی مجبور است، به درجاتی این اصل را بکار گیرد. اصل مرکزیت دمکراتیک، اصل علم مدیریت است. بدون رعایت آن نمی توان همه توان انسانی و مادی یک سازمان را در جهت حصول یک هدف مشخص بکار گرفت.

زنده یاد احسان طبری، در "یادداشتها و نوشته های فلسفی و اجتماعی" خود، در صفحه ۸۶ بدرستی یاد آور می شود: «بطور عموم ارگان های رهبری میل به مطلق کردن مرکزیت دارند، چیزی که سازمان حزبی را به اداره می بدل می کند و در آن محیط بوروکراتیک بوجود می آورد. افراد حزبی میل به مطلق کردن دمکراسی دارند، چیزی که سازمان حزبی را بسوی آناشسی می برد و آتراً از صورت سازمان درآورده و به باشگاه بحث مبدل می سازد و قدرت بیکار جویی آتراً از میان می برد. از هر یک از این دو انحراف دو نوع اسلوب کار، یک اسلوب مبتنی بر دیکتات و تحمیل و سختگیری های غلط و اسلوب دیگر مبتنی بر بیماری بحث، اغماض و لیبرالیسم بی جا پدید می شود. مسئله حفظ تعادل دیالکتیکی بین دو قطب مسئله مرکزی در شیوه رهبری سازمانی است.»

لین در تاکید بر اهمیت بحث دائمی در درون حزب، پیرامون برنامه حزب، در سال ۱۸۹۹ چنین می نویسد:

«... تهیه برنامه عمومی حزب، البته به هیچوجه نباید به هرگونه مباحثه ای پایان دهد، ولی آن نظریات بنیادی مربوط به خصلت، هدف ها و وظایف جنبش را که باید درفش حزب رزمنده ای باشند که علیرغم وجود اختلاف نظرهای فرعی اعضای آن بر سر مسائل فرعی، متحد و یکپارچه می ماند، بطور محکم تثبیت می کنند...» (لنین درباره حزب پرولتری طراز نوین، ترجمه پورهرمان، ص ۲۸)

ما خواهان استقرار چنین برداشتی از مرکزیت-دمکراتیک بر کار سازمانی هستیم. استقرار درک مخلوش از این اصل، به استقرار نوعی ولایت فقیه سازمانی انجامیده است. با گذشت زمان و مطالعه نشریه ای که شما منتشر می کنید، خود را از همه تهمت ها و شایعه پراکنی های سالهای اخیر که در واحد ما دامن زده می شد رها دیده و در کنار شما می یابیم.

پیشنهاد می کنیم، برای پایان بخشیدن به آخرین تردیدهای عده دیگری از رفقای حزبی برای پیوستن به شما و یاری رساندن به "راه توده"، مقالات و مطالب بیشتری درباره اصل مرکزیت دمکراتیک بنویسید و مطالبی را که وعده داده اید، منتشر کنید. اگر هم نامه و مطالب دیگران را به هر دلیل و ملاحظه ای منتشر نمی کنید، نامه ما را بعنوان "بیعت" با "راه توده" منتشر کنید!

(تعدادی از رفقای واحد حزبی امریکا.....)

آشکارگوئی به سود حزب است!

سوئد- رفقای راه توده!

در شماره ۷۱ راه توده مقاله ای با عنوان "بنویسید! اما نه بنام حزب توده ایران" در انتقاد از مشی سیاسی و سازمانی رفقای حزب (نامه مردم) و عدم انتشار مباحث مطروحه در کنگره اخیر چاپ شده بود، که بسیار جالب و آموزنده بود. می توان گفت که مضمون و مطالب گفته شده در مقاله سخن و درد دل بسیاری از رفقای توده ایست، که کوله باری از تجربیات پر بار سالهای طولانی را بر دوش دارند، اما دریغاً همانطور که نوشته اید گوش شنوایی نیست. به انتقادات سازنده و خرد جمعی نه تنها کمترین توجهی نمی شود، بلکه به اخلاص و دشمنی با حزب تعبیر و تفسیر می شود.

برای ساکت کردن انتقاد کننده به جریه "تماس انفرادی" متوسل می شوند که در حقیقت یعنی عدم اعتماد امنیتی! کاملاً روشن است که یعنی ساکت! ما خودمان هستیم که پیامبرگونه همه چیز را پیشگوئی می کنیم. بسیاری از رفقای با تجربه، با کاربست اینگونه شیوه های بوروکراتیک بجای بحث و اقتناع که اصولی ترین شیوه کاربست سیاسی و سازمانی است، دلسرد شده و به گفته زنده یاد طبری، فعلاً سکوت پیشه کرده و خون دل می خورند.

در مقاله راه توده بدرستی آمده بود که «آشکار گوئی را به صلاح نهانی حزب می دانیم». این حقیقت غیر قابل انکاری است که در عصر اینترنت، سانسور و بازی های پشت پرده کارآئی خود را از دست داده است و صدور بخشنامه های اداری هم دیگر کار ساز نیست. بسیاری از سازمان های سیاسی

اخیراً، همزمان با گزارش ها و اخبار و اطلاعات مختلفی که در اختیار "راه توده" قرار گرفته، نامه درآلودی نیز به امضای چند تن از رفقای حزبی واحد امریکا برای "راه توده" ارسال شده است. متن این نامه را با حذف برخی اشارات، اسامی و تصمیمات اتخاذ شده در این واحد، در زیر و بنا برخواست موکد نویسندگان آن منتشر می کنیم:

نامه ما را سانسور نکرده و منتشر کنید!

در صفحه "نامه ها..." شماره ۷۱ راه توده، نوشته اید «ما واقعا، هنوز نمی دانیم که انتشار آنچه را می دانیم و در اختیارمان گذاشته شده، به صلاح حزب است یا خیر؟ و به همین دلیل نیز با بسیاری از همکاران و علاقمندان راه تود و حزب توده ایران، مسئله را در میان گذاشته ایم، که در صورت توافق نظر، بخشی از این اطلاعات خودمان را، با این امید که به این شیوه کار حزبی خاتمه بخشیده شود، منتشر خواهیم کرد.»

نکته ای که شما به آن اشاره کرده اید، مشکل حاد بسیاری از رفقای اینجاست. همه آنهایی که من از طریق رسمی و غیر رسمی با آنها تماس دارم، از شیوه کار حاکم، خسته شده اند، ولی هنوز نمی دانند که ایستادن در برابر آن تا چه حد به صلاح حزب است. خستگی بچه ها از کوبیدن سر بر درهای بسته است و نبودن گوش شنوا. همان ها که مسئول پیش آمدن وضع موجود هستند، هنوز در پی پنهان کردن مشکل، بزرگ کردن ظاهر امر و مقصر اعلام کردن دیگران هستند.

انتشار قطعنامه، در باره تقویت و انسجام صفوف حزب، در "نامه مردم" ۵۲۷ و "نامه ای از یک رفیق" در نامه مردم شماره ۵۲۸، که بارها باید خواند تا فهمید نویسنده منظورش چیست و چه می خواهد بگوید، به بچه ها خیلی گران آمده است.

حدود دو سال پیش طرحی را بدون هیچگونه نظر خواهی منتشر کردند و گفتند که با آن می خواهند به نشست بروند. هرچه در باره آن طرح مطرح کردیم به آن توجه نکردند. از تقاضای اکثریت بچه ها برای انتشار یک بولتن درونی جهت بحث پیرامون آن طرح و موضوعات مربوط به برنامه و سیاست حزب حمایت نشد. از قبول این تقاضا، تا یکسال و نیم تحت عنوان و بهانه های مختلف، از جمله "خاطره بد داشتن از انتشار بولتن داخلی در جریان کنگره سوم"، طفره رفتند. تنها پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۷۵ و شکست سیاست "تحریم" که علیرغم مخالفت اکثریت بچه ها اعمال شد، حاضر به انتشار بولتن شدند. این بولتن یکبار منتشر شد و نظر بسیاری از رفقا به بهانه دیر رسیدن مطرح نشد و آنهایی که مطرح شد، آنچنان قلع و قمع شده بود که نویسندگان از ارسال آنها پشیمان شدند.

از طرف دیگر، برای ایجاد یکدستی و جلوگیری از اظهار نظر مخالف، بخصوص با توجه به سیاست تحریم و سیاست های چپ روانه خود، ترتیبی دادند که عده ای را بجای انتخاب، انتصاب کنند.

نشستی که بدون توجه به نظر اکثریت رفقا تشکیل شد، حالا قطعنامه صادر کرده و از رفقای که در سالهای اخیر به دلائل مشکلات پیش آمده در مبارزه، از صحنه بیکار در صفوف حزب توده ایران جدا شده اند می خواهد تا بار دیگر به صفوف حزب بپیوندند.

این قطعنامه توسط نشستی صادر شده است که در راه تشکیل آن، تعدادی اخراج، گروهی مجبور به انفعال و کناره گیری و واحدهائی را منحل کرده و یا به حالت تعلیق درآوردند.

انتشار "نامه ای از یک رفیق"، که معلوم نیست این رفیق، اگر هم هویت واقعی داشته باشد، در اصل، در جریان امور هست یا نه، در نامه مردم شماره ۵۲۸، در این شرایط مثل پاشیدن نمک بر زخم تن و روح رفقاقت. در این نامه، نارفقانه آنهایی که با ترندهای مختلف کنار گذاشته شده و بقول معروف خنثی کرده اند، متهم به داشتن ناخالصی و عدم تحمل دمکراسی شده اند. در سالهای اخیر، در مقاطع گوناگون افرادی از حزب فاصله گرفته اند و یا به حاشیه رانده شده اند. آنچه را که با قاطعیت در مورد همه این افراد می توان گفت بدون توجه به نظرات و دیدگاههایشان- این است که هیچکدام بعلت دمکراسی زیاد از حزب دور نشده اند. بسیاری فقط بخاطر تقاضای رعایت اصل مرکزیت دمکراتیک، کنار گذاشته شده اند و یا مجبور به کناره گیری شده اند.

مانند سازمان اکثریت و حتی راه کارگر گزارشات جامعی از کنگره خود را در نشریه ارگانشان و حتی بصورت جزوه جداگانه چاپ و منتشر کرده اند. در صد آراء مخالف و موافق نمایندگان کنگره را درباره مباحث مهم از جمله مسئله مهم انتخابات ریاست جمهوری در ایران چاپ کرده اند. سؤال بسیاری از رفقا اینست که چرا و بجه علت "نامه مردم" از این ابتدائی ترین موازین دمکراسی حزبی سر باز می زند؟ چرا دوستان و هواداران حزب و مردم نباید از مسائل مطروحه و بحث ها و انتقادات و درصد آراء نمایندگان کنگره مطلع باشند؟

وقتی سازمان اکثریت در نشریه "کار" نوشت که کنگره آن سازمان با اکثریت آراء و تصمیم رهبری آن سازمان را در سیاست تحریم انتخابات ریاست جمهوری نپذیرفت و درصد آراء مخالف و موافق را چاپ کرد، چه مشکل امنیتی بوجود آمد؟ ما نمی دانیم چرا این اصل اساسی، یعنی علنیت اساسی ترین اصول دمکراسی حزبی، بر طبق اساسنامه حزب رعایت نمی شود؟ مطالبی که در بخش نامه ها، در ستون اول، پیرامون نابسامانی های تشکیلاتی نوشته بودید (اشاره به حوزه های حزبی) یک واقعیت است. تداوم این نابسامانی ها می رود که به یک بحران ختم شود. فراخوان حزب که «حزب توده ایران خانه همه توده ای هاست» ناشی از همین ارزیابی است. گزارشات رسیده به شما و اسنادی که وجود دارد گوشه ای از حقایق است. بسیاری از رفقا با انتشار آنچه که به شما می رسد و در اختیار دارید، توافق دارند و علنیت مباحث سیاسی و سازمانی را به صلاح حزب می دانند. پیشنهاد می شود، از همه رفقا بخواهید انتقادات اصولی و سازنده را برای شما بنویسند و شما هم منعکس کنید. تعلل و پرده پوشی چاره مشکلات نیست، باید با شیوه های ویرانگر بوروکراتیک مبارزه کرد.

با درود های رفیقانه ع. ا.

در انتظار شکست "جنبش"!

هلند - دوستان محترم و رفقای گرامی! ضمن تشکر از زحمات بی شائبه و پشت کار شما دوستان، در حفظ و تمیز خط حزمان در این وانفسای آشفته، چند مطلب را دوستانه با شما در میان می گذارم:

از اینکه خبر سوء قصد به آقای ارزانش را چاپ کردید باعث خرسندی و تشکر است. فقط یک نکته کوچک را بعنوان توضیح برایتان می نویسم. بهتر بود به جای جمله «سیاست حزب را در برابر حوادث آن سالها، عاقلانه ترین سیاست معرفی می کرد»، بهتر بود می نوشتید «سیاست حزب در برابر حوادث آن سالها در منطقه ترکمن صحرا را عاقلانه تر می دید».

واقعیت این است که آقای ارزانش آشنائی چندانی با سیاست حزب ما نداشت و تنها وقتی مواضع حزب در رابطه با آن دوران در منطقه ترکمن صحرا را از ما می شنید، این مواضع را به نظرات خود نزدیکتر از دیگر نیروهای یکه تاز در منطقه (سازمان چریک های فدائی خلق ایران) در آن سالهای در منطقه می دید.

درباره اپوزیسیون چپ مهاجر، گاه انسان فکر می کند بهتر بود برخی از این جریانات شرکت های بیمه تاسیس می کردند، زیرا با همه تند و تیزی که از خودشان نشان می دهند در موضع گیری سیاسی بسیار محتاط عمل می کنند. آنها مواضع خودشان را طوری تنظیم می کنند که در هر حالتی بتوانند امکان فرار نظری داشته باشند. بسیاری از ایشان حتی بعد از اینکه ثابت شد نسبت به جنبش کنونی مردم ایران هیچ نقش مثبت و ارزیابی درستی نداشته اند، علیرغم قبول برخی واقعیات، هنوز هم با اتخاذ سیاست های یک بام و چند هوا قصد دارند:

اولا به درستی سیاست حزب ما نسبت به رژیم و روند که بر که اقرار نکنند. ثانیا در صورت شکست جنبش کنونی مردم ایران، که خیلی از گروهها و اشخاص منتظر آن هستند، پلی برای فرار داشته باشند. درواقع عدم اتخاذ سیاست های لازم و ضروری امروزیشان به معنی "بیمه کردن" پاسخگویی فردا، در صورت شکست جنبش است.

در پایان ضمن تشکر مجدد از زحمات شما رفقا گرامی و آرزوی موفقیت روز افزون، مبلغ ۱۹۵ مارک را از جانب خودم و دو تن دیگر از رفقا برایتان ارسال داشتم. اگر وضع کنونی معیشتمان اجازه داد، حتما این نوع کمک ها را تکرار خواهیم کرد.

هلند - م. الف